

پیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۱۰۳ کانون خردمداری ایرانیان
سال هجدهم - مرداد ماه ۲۵۷۷ برابر با ۱۳۹۷ عربی

ملتی که به اعدام
«نه» نمی‌گوید
هر روز اعدام می‌شود

پیش از انقلاب
اگر دولت‌ها مقصر
بودند، پس از انقلاب
مردم مقصر هستند

چرا فکر می‌کنید وضع ایران درست می‌شود؟

هنگامی که ۹۹ درصد ایرانیان در بیرون و درون کشور هیچ کاری برای درست شدن اوضاع نمی‌کنند، پس چه کسی باید رژیم را به زیر بکشد؟

آیا برای رهایی از دست رژیم فاسد اسلامی راهی جز جنگ رو در رو با عوامل رژیم برای مردم باقی مانده است؟ آمریکا که بارها اعلام پشتیبانی از مردم کرده است، و تحریم‌ها را باز هم بیشتر خواهد نمود. بیشتر از این دیگر کسی از بیرون برای مردم نمی‌تواند کاری انجام دهد. تا خود مردم «به خیابان نیایند» و به آن معترضان خیابانی «نیوندند» و با رژیم «نجنگند» هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد. چرا مردم برای انقلاب حاضر به جان دادن بودند، اما امروز برای رفاه و آزادی خود نه؟!!

دکتر محمدعلی مهرآسا

نقدی بر کتاب معجزات علمی قرآن اثر «هارون یحیی»

در شماره‌های پیشین، از آن اراجیفی که راجع به زوج بودن اجسام که در قرآن به آن اشاره شده است و آقای یحیی آن را از معجزات این کتاب بی محتوا بیان فرموده است، ما با دلیل ثابت کردیم غلط است. و آنگاه به صورت نمونه از درخت چنار، بید و بوته‌ی شمعدانی مثال آوردیم که تنها با قلمه زدن

اسماعیل وفا یغمایی

سیما و شخصیت علی، در بهنه‌ی واقعیت تاریخی بخش ۲

مانده از شماره پیش

در همین دوران، جنگ جمل به راه افتاد که ۲۷۰۰ تن در این جنگ کشته شدند، سپاه عایشه بصره را تصرف کرد و در همان زمان علی را به خروج از دین متهم کردند، سرانجام علی زورش به عایشه نرسید و کوتاه آمد تا سر و صداها بخوابد. در جنگ صفین معاویه علی را مغلوب کرد و عده‌ای

مانده در رویه‌ی ۳

نقدی بر کتاب معجزات علمی قرآن اثر «هارون یحیی»

تکثیر پیدا می‌کنند و جفت‌نر و ماده ندارند. آقای هارون یحیی به گونه‌ای دیگر دنبال همان مطلب را گرفته و از آیه ۱۰ سوره لقمان باز دلیل برای این هجوگوئی آورده است. آیه چنین است:

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا وَالْقَالِي الْأَرْضِ رَوَاسِيًّ أَنْتُمْ بِبُكْمٍ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأُنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» معنی:

آسمانها را بی ستونی که مشاهده شود ساخت و در روی زمین کوه‌های بزرگ را بنا نهاد تا از حیرت و اضطراب برهید و در روی زمین انواع مختلف حیوانات را پراکنده ساخت.

۱- درست دقت فرمائید در فصاحت و بلاغت قرآن در دو سطر نخست گوینده فرد سوم غایب است و افعال به صورت صیغهی سوم آمده است. اما در آمدن باران خود الله حرف می‌زند و صیغهی متکلم الوحده است و می‌گوید فرود آوردیم!!

۲- نوشتن آسمان‌های بی‌ستون نشان نادانی کامل گوینده است از وضع کائناتی که آقای هارون یحیی معتقد است الله عرب آن را ساخته است. در کتاب هارون یحیی جوّ زمین را که شامل گاز اکسیژن، ازت و گاز کربنیک و دیگر گازهایی است که آدمی با صنعت درون فضا ریخته است، آسمان‌های قرآن می‌شناسد. البته بیچاره نمی‌داند و نمی‌تواند با آسمان‌ها که لابد متعددند چگونه کنار آید!

۳- کوه‌ها نخست بر روی زمین نبودند و زمین که سرد شد رویه‌اش صاف بود. این کوه‌ها در اثر آتش فشان‌های درون زمین به بیرون جهیدند و پس از سرد شدن به این اشکال ماندند. زمین شناسان از روی خاک برداری و جستجو در سنگهای این کوه‌ها به سن آنها واقف شده‌اند و در کتابهای زمین شناسی مذکور است.

۴- وجود این کوه‌ها چگونه ما را از حیرت و اضطراب می‌رهاند؟! این کلام محمد یا الله جز سخن یاوه و مزخرف چه نام دارد؟

۵- گفتیم که تمام نباتات جفت نیستند و بسیاری از درختان میوه و هسته برای تولید مثل ندارند و آدمی به اجبار از آنها قلمه می‌زند مانند بید و چنار و چندین درخت جنگلی. محمد چون در سرزمینش تنها درخت خرما را دیده که نر و ماده دارند، تصورش این است که تمام موجودات جفتند!

پس از آن آیه‌ی دیگری از سوره الرعد آورده که باز الله فرموده است ما نباتات را جفت خلق کرده‌ایم. عجیب است این محمد مگر نمی‌دانست تمام مردم تا آن هنگام همه فهمیده بودند که تا

در زمینی تخمی نکارید یا قلمه‌ای نزنید درخت و میوه یا سبزه‌ای نمی‌روید. مگر مردم تا آن زمان خود زراعت نمی‌کردند؟ قرآن بدیهیات زندگی را بازگو کرده و مسلمانان متعصب نابخرد به آن معجزه و خرق عادت نام نهاده‌اند.

محمد مغزش معیوب بوده و در اثر ادامه‌ی بیماری صرعش به نوعی شیذوفرنی دچار شده بود و تصورات و اوهام نابه‌جا در مغزش می‌رویید.

اکنون آیه ۳ از سوره الرعد:

«وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًّ وَأَنْهَارًا وَ مِنْ كُلِّ ثَمَرَاتٍ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى الْيَلِيلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» معنی:

«و او کسی است زمین را گسترده کرد در آن کوه‌ها و رودخانه‌ها درست کرد و از تمام میوه‌ها زوج دو تائی ساخت. روز را با شب می‌پوشاند. در این کار علائمی برای متفکرین وجود دارد.

نقائص و تناقضات کلام خدا:

۱- زمین را گسترده کرد یعنی زمین مسطح است و این نشان بی‌اطلاعی الله از گره زمین است که مطابق روزگار عربستان سخن گفته است. زیرا زمین کروی است.

۲- همه‌ی مردم می‌دانستند که تنها نخل به صورت جفت است و بقیه میوه‌ها درون شکوفه و گلش عمل لقاح برای تولید میوه انجام می‌شود و درختان میوه نر و ماده جداگانه ندارند. و زوج دو تائی غلطی است به وسعت جهان اسلام.

۳- هیچ کس نمی‌داند که منظور الله یا محمد از این سخن که روز را با شب می‌پوشاند و چندین بار در قرآن تکرار شده است چیست؟ جز بیان موهومات مغزی یک بیمار اعصاب! عجیب است که الله می‌گوید این علایمی است برای اهل اندیشه. در حالی که هر دهاتی باغداری به کشت و زرع واقف بوده و می‌داند اگر درختهای میوه بهاران شکوفه ندهند میوه و ثمری نخواهد بود.

۴- رودخانه‌ها را نه خدا ساخت و نه محمد و نه هیچ بنا و معماری. رودخانه در همان ابتدای بارندگی بر روی زمین، آبهای حاصل از باران و ذوب برف و یخ‌ها در هوای ملایم راه خود را پیدا کرد و در مواقع انبوه آب خاک زمین را با خود بردند و چون آب به جانب سرازیری میل دارد، این آبها راهی دریاها شدند و زمین برای رودخانه گود شد. ما می‌بینیم که سرانجام روند آب رودخانه‌ها، ریختن در اقیانوس‌ها و دریاها است.

کسانی که در برابر فاشیسم متحد نمی‌شوند. در زندان‌های

فاشیسم همدیگر را ملاقات خواهند کرد. بر تولد پرورش

مانده از رویه‌ی نخست

سیما و شخصیت علی، در پهنه واقعیت تاریخی

از دور و بر علی کنار رفتند که آنها را خوارج نامیدند. لشگر علی ضعیف شد از او خواستند توبه کند او قبول نکرد و در جنگ نهروان که با خوارج جنگید علی را کشتند و به‌زندگی او پایان دادند.

در زمان علی ایرانی‌ها هم سر به شورش برداشتند که به‌دستور علی همه شورش‌ها را سرکوب کردند و ایرانی‌ها عاشق علی از این موضوع چشم‌پوشی می‌کنند و بزبان نمی‌آورند! و آخوندهای شیعه هم به این نکات تاریخی اشاره نمی‌کنند و به‌مردم نمی‌گویند. به فرمان مستقیم علی در چندین شهر ایران جوی‌های خون راه افتاد و همه‌ی بپا خواسته‌گان ایرانی را سرداران علی سرکوب کرده‌گشتند. شورش مردم استخر، شورش‌های فارس و کرمان، شورش نیشابور و بسیاری نقاط دیگر همه را سرکوب کردند و هزاران تن از فرزندان ایران را کشتند. از سوی دیگر سپاهیان معاویه به‌سوی مصر حمله کردند و مصر را به‌تصرف درآوردند.

پس از کشتن علی او را مخفیانه به‌خاک سپردند و مدت‌ها آرامگاهی نداشت تا زمان هارون‌الرشید که برای علی گنبد و بارگاهی ساختند.

از علی ۱۴ پسر و دختر بجا مانده، او ۹ زن اعلام شده داشت، امروزه سنی و شیعه هر دو به علی احترام می‌گذارند، صوفیان معتقدند از راه علی می‌شود به خدا رسید!

علی قدی کوتاه، ساقهای تنومند کوتاه، سری اصلح (طاس) داشت یعنی مو نداشت، نیرومند و تنومند بود، بدنی پُر مو و ریش او تا روی سینه‌اش می‌رسید، چشم‌هایش تاب و مشکل داشت. تصویر واقعی علی با تصویری که ایرانی‌ها از او می‌کشند بسیار متفاوت است. تصویر فعلی علی که ایرانی‌ها روی آن ریش و سیل گذاشته‌اند و خیلی زیباست، در اصل سیمای میترا بوده است.

هنگامی که علی را کشتند، در ایران شورش‌ها دوباره شروع شد. دوران ۵ تا ۶ ساله حکومت علی بیشتر به سرکوب شورش‌های مردم ایران سپری شد.

مهم‌ترین مساله که من می‌خواهم هم میهنان ما توجه کنند هستی‌شناسی واقعی علی است.

ما اگر هنوز در مدار جاذبه «ایدئولوژی‌ها و ادیان و باورها» باقی مانده باشیم حتا مولوی هم که باشیم علی واقعی را نمی‌توانیم بشناسیم. برای شناخت تاریخ باید از مدار جاذبه خارج شد علی را در کادر سعدی و مولوی و کسانی که یک اسطوره عجیب و غریبی از او ساخته‌اند نمی‌شود فهمید، سازندگان آن علی در

جهان دیگری سیر می‌کنند. در مدار جاذبه آهن رباکس دیگری است و ما تکه فلزی بی وزن هستیم که می‌رویم و به آن می‌چسبیم. حتا کسان شریفی در جهان امروز و قرن بیستم و یکم هستند که از اسلام رحمانی دم می‌زنند، از اسلام رحمت و رهایی که مجاهدین سخن می‌گویند. خود من به عنوان فردی که هم اسلام زمان شاه را تجربه کرده‌ام، سپس اسلام خمینی را و بعد اسلام انقلابی مجاهدین را، تکرار می‌کنم تا انسان از مدار جاذبه بیرون نیاید از واقعیت‌های اسلام آگاه نمی‌شود. آنچه را که تاریخ در مورد علی می‌گوید، علی یک مسلمان به تمام معنی بود، با اعتقاد مطلق به محمد و قرآن، هر کاری که می‌کرد در این راستا بود، اگر عدالتی از او می‌بینیم همان عدالتی بود که در قرآن می‌بینیم اگر هم خشونت می‌بینیم از قرآن دستور می‌گرفت، در اعمال خشونت مطلقاً رحم و مروتی نمی‌شناخت و کاری را که باید صورت می‌گرفت انجام می‌داد، مشخصات واقعی علی را در اسلام خمینی دیدیم که پس از پیروزی تیغ برکشید و با صدای بلند گفت کاری که علی با خوارج کرد و یک نفر را زنده نگذاشت ما هم باید می‌کردیم.

اتریش، پیشرو در اسلام زدایی

- ۱- زبان ترکی از گزینه‌ی امتحان رانندگی در اتریش حذف شد.
- ۲- اتریش به‌دنبال ممنوعیت حجاب برای دختر بچه‌هاست.
- ۳- صدراعظم اتریش از پیوستن ترکیه اسلامی به ناتو جلوگیری نمود و طرح پیوستن را وتو کرد.
- ۴- هربرت کیکل وزیر کشور اتریش پیشنهاد کرده که همه پناهجویان که مسلمان هستند باید در مکانی مشخص و متمرکز نگهداشته شوند.
- ۵- در یک ایالت اتریش طرحی در دست بررسی است که به‌موجب آن مسلمانان پیش از خرید گوشت حلال باید ثبت نام کنند. این طرح مورد خشم مسلمانان اتریش قرار گرفته است.

مسلمانان سخن مرا که (سه مدرک دانشگاهی دارم و بستگان و دوستانم مرا انسانی راستگو می‌شناسند و تاکنون هم کوچکترین آزاری به انسان و حیوان و نبات نرسانده‌ام) راجع به خدا و هستی گفته‌ام نمی‌پذیرند و باور نمی‌کنند اما سخنان یک مرد بی سواد را که در خود قرآن او را «امی» یعنی بی‌سواد می‌نامد و در بیابانها و کوهها و میان راهزنان بزرگ شده که در مورد خدا و جهان هستی گفته می‌پذیرند. از کتاب اجنه و لعنت حجاب - استیوارت

دکتر ناصر انقطاع

«عَلَمُ الْهُدَى» و «بَعْبَع» های او

گهگاه با خود می‌اندیشم. اگر آخوندها، دهان‌گشادشان را ببندند، خیلی بیشتر به سودشان است، تا آنها را بگشایند، و آبروی خود را هرچه بیشتر از این ببرند. این عمامه‌داران بی مغز نمی‌دانند که «دکان بی‌متاع چرا وا کند کسی؟!»

بازیهای جهانی فوتبال که یکی از پُربیننده‌ترین اجتماعات ورزشی در سراسر گیتی است، و هر چهار سال یکبار، با شرکت سی و دو تیم برگزیده فوتبال کشورهای گیتی، در یکی از کشورها برگزار می‌شود و می‌توان گفت که تقریباً نظر بسیاری از رده‌های اجتماعی ملت‌های جهان را خواه ناخواه به سوی خود می‌کشاند امسال در کشور روسیه برگزار شد.

ایران که در این رشته از دیدگاه قدرت بازی نسبت به کشورهای اروپایی و آمریکای جنوبی، در حد بسیار بالا نیست، نیز در یکی از هشت گروه برگزیده جهانی قرار گرفت و در بازی نخست خود که با مراکش بود، با اشتباه بازیکن مراکشی که توپ را به دروازه خود وارد کرد ایران برنده مسابقه گردید و پیروزی جوانان کشورمان صرفنظر از این که آنها زیر پرچم جمهوری آخوندی به میدان آمده بودند شادی همه را دربر داشت.

ولی ناگهان، در این میان، علم‌الهدی ملایی که مانند همه آخوندها، خود را نخود هرآشی می‌کند جلوی میکروفن رفت و بی‌آنکه نامی از ایران ببرد چنین گفت: امروز «اسلام پیروز شد» و در میدان جهانی فوتبال همگان شاهد پیروزی اسلام، و جمهوری اسلامی بودند!! و دیدند چگونه خداوند، مانند همیشه اسلام را پیروز کرد!!

این بیچاره نمی‌دانست اسلام کجا؟ فوتبال کجا؟، پیروزی در فوتبال چه دخلی به یک کیش و آیین عربی دارد؟ وانگهی تیمی هم که در برابر ایران بازنده شد تیم یک کشور اسلامی و همه مسلمان بودند! و اگر اشتباه بازیکن مسلمان مراکشی نبود ایران به پیروزی نمی‌رسید که تو گوسفند بع‌بع کنی و بگویی اسلام پیروز شد! در بازی با پرتقال هم که ایران شکست خورد و به ایران بازگشت.

آخوند بی‌غیرت تو برو دنبال آن باش که عرب‌ها و زیارت‌کنندگان عراقی که بوی امام حسین و حضرت عباس می‌دهند به مشهد بیایند و با دستک دمبکی بنام «خانه عفاف» (بخوانید فاحشه‌خانه‌ی آخوندی) براه انداخته‌ای با دختران و نوه‌های تو همبستر شوند و آنها را معطر کنند! فهمیدی گوسفند بع‌بع کن!؟

عمامه خود را بالاتر بگذار که پاننداز عربهای معطر بیابانی شده‌ای و دختران و زنان نیازمند و به خط زیر فقر افتاده را به آنها وصل می‌کنی!!

پرویز مینویی

خانه‌ی خدا!

نقل است از عمر خلیفه‌ی دوم که، اگر من محمد را در حال انجام مراسم حج با چشمان خود ندیده بودم و کس دیگری به من می‌گفت باور نمی‌کردم. چرا عمر می‌گوید من باور نمی‌کردم؟ چرا عمر باور نمی‌کرد که محمد رسم حج و رفتن از «منابه» «مروه» و گفتن «لیک لیک» و پرتاب سنگ به شیطان و چرخیدن به دور کعبه را انجام دهد، زیرا این‌ها مراسم دوران جاهلیت بود و دیگر نباید اجرا می‌شد، چرا محمد آنها را منسوخ اعلام نکرد و چرا مراسم حج را که مردم باید به دور یک سنگ «ساختمان سنگی کعبه» بگردند لغو نکرد. مگر او مخالف بت‌پرستی نبود؟. هنگامی که محمد و یارانش قصد ورود فاتحانه به مکه را داشتند، ابوسفیان به جلوی سپاه محمد می‌آید و با محمد ملاقات می‌کند، آنها برای دو روز از بامداد تا شام به چادری می‌روند و گفتگو می‌کنند. آن دو در چادر تنها بودند و کسی نمی‌داند میان آنها چه گذشته و گفتگوها چه بوده است ولی حدس زده می‌شود که ابوسفیان به محمد گفته است این مراسم حج سبب کاسبی و درآمد طایفه‌ی قریش می‌شود و اگر تو بت‌های درون کعبه را بشکنی به قبیله‌ی خود خیانت کرده‌ای ولی چنانچه این کار را نکنی من شهر مکه را به تو تسلیم می‌کنم.

محمد وارد شهر مکه می‌شود و می‌رود بت‌های داخل کعبه را می‌شکند و می‌گوید از این پس اینجا خانه، «الله» است، یعنی او بت‌خانه را به خانه‌ی خدا تغییر می‌دهد و هیچ توضیحی نمی‌دهد که این خدا قبلاً در کجا خانه داشته است که او را به این خانه آورده! و شیطان را چگونه راضی کرده که در ایام حج به مکه بیاید تا مردم به او سنگ بزنند و چرا او را اگر وجود داشته نگشته است، حضرت که از گشتن این و آن ابایی نداشت! چرا مسلمان‌ها به این حرف‌ها باور دارند. چرا خرد آنها این دروغ‌ها را می‌پذیرند و مانند دوران و عصر حجر به دور یک تکه سنگ می‌گردند و باور دارند که آنجا خانه‌ی خداست؟

بی تفاوت‌ها چون اکثریت دارند ویرانگر ترند

حجاب

«حجاب اجباری یعنی حجاب زوری، و خود حجاب چه اجباری باشد و چه اختیاری ستمی است که از سوی مردان مسلمان فقط بر زنان مسلمان با خشم و عصبانیت و لات بازی و گردن کلفتی و با تأثیر گرفتن از آیات قرآن و شرع اسلام وارد می‌شود و چون مردان مسلمان زورشان به غیر مسلمان‌ها نمی‌رسد بر حجاب زنان آنها اصرار ندارند و در باطن از دیدن زن‌های بی‌حجاب غیر مسلمان لذت هم می‌برند».

فاجعه حجاب

سیامک مهر (پورشجری)

حجاب در اسلام یعنی پوشش کامل بدن به جز گردی صورت و دست‌ها، حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر چشم مرد نامحرم، که آیات متعددی در قرآن از جمله آیه ۵۹ سوره احزاب و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور در باره‌ی آن آمده است.

در ظاهر، حجاب در اسلام موضوع پیش پا افتاده‌ای است درست نظیر خود اسلام که با گفتن چند کلمه «شهادتین» می‌توانی مسلمان شوی اما هرگاه بخواهی نظر خود را تغییر دهی باید مرگ را بپذیری، به همین آسانی! (دین یکطرفه - ورود آزاد، خروج ممنوع!)

حجاب اسلامی پوشش به معنای متعارف مانند پوشش لباس زمستانی یا تابستانی نیست که در مورد آن از «آزادی پوشش» و «حق انتخاب پوشش» نام ببریم و گمان بریم در دفاع از آزادی‌های انسانی می‌شود برای حجاب اسلامی حق انتخاب قائل شد. حجاب اسلامی تکه پارچه‌ای برای محافظت بدن از آفتاب و سرما و باد و باران نیست، لباس سنتی و بومی و قومی هم نیست، باب مد و ذوق و ذائقه و سلیقه هم نیست. حجاب اجباری و شوئی افساری است که به‌گردن زن مسلمان گره خورده است. و این افسار پیش از آنکه، کودکی قدرت تمیز و تشخیص بیابد از طرف پدر و مادر و جامعه و آخوند با اجبار و تهدید و مغزشویی به‌وی تحمیل و تلقین می‌شود. کافی نیست بگوییم در حجاب اسلامی تن زن به‌گروگان گرفته می‌شود بلکه حجاب اسلامی نوعی تجاوز جنسی است که توسط جامعه مرد سالار مذهبی به‌طور پیوسته بر زنان اعمال می‌شود. اسلام با فاجعه‌ی حجاب حق تعیین سرنوشت را از زنان سلب می‌کند و زنان را ذلیل و مفعول و بی‌اراده می‌سازد. اسلام بوسیله‌ی حجاب موضوع «محرم و نا محرم» را که امری است به غایت عقب‌افتاده

و پست در میان مسلمانان رواج داده است تا حقوق برابر زن با مرد را پایمال کند. با همین طرز تفکر آیه ۱۸۲ سوره بقره گواهی و شهادت حتا هزار زن بدون تأیید حداقل یک مرد، پوچ و بی‌اعتبار می‌شود انسان با انتخاب‌های آزادانه هستی‌اش را نشان می‌دهد در صورتی که مؤمن، با ایمان خود حق انتخاب خویش را برای همیشه از دست می‌دهد و بردگی را تحت نام عبد صالح یعنی گوسفند، می‌پذیرد.

آن زن مسلمانی که می‌گوید حجاب انتخاب من است، آیا حاضر است تنها یک روز در سال مینی ژوپ انتخاب کند و بیوشد، یک بار هم بدون رعایت حجاب اسلامی به خیابان بیاید و ثابت کند که صاحب تن و بدن و صاحب اختیار خود می‌باشد؟ اگر پاسخ منفی است باید بپذیریم که حجاب یک انتخاب دلخواه نیست اجبار است، روزی است که زن‌های بی‌اختیار مسلمان باید آن را بپذیرند و انتخابی در کار نیست. حجاب اسلامی در کشورهای غربی دهن کجی به ارزش‌های جامعه غربی و پرچمی است که دشمنان آزادی در بلاد کفر برافراشته هل من مبارز می‌گویند. حجاب اسلامی پرچم جهاد علیه کفار است. (در زیر هر چادر و مقنعه داعش در حال تخم ریزی است)

امام دروغو

پس از این که خامنه‌ای ادعا کرد در ایران آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی انتخاب وجود دارد. در فضای مجازی بر علیه سخنان او غوغایی بپا شد به چند پاسخ شیرین مردم به او نگاه کنید. داش آکل - ما فکر می‌کردیم جسم ناقصی دارد و اندک آبرویی، الان فهمیدیم که عقل ناقصی دارد، بدون ذره‌ای آبرو. این آقا واژه‌ی شرف و شرافت را یکجا لگدمال کرد، پینوکیو هم از او با صداقت تره.

آزاد - پس محمد علی طاهری و نسرین محمدی و گلرخ ایرانی را به خاطر سرعت غیر مجاز توی بزرگراه زندانی کرده‌اند؟ حاشیه ساز - ۳۷ روز در بازجویی‌های متعدد باید اقرار می‌کردم که به رهبر توهین کرده‌ام، در حالی که من هرگز توهین نمی‌کنم! این آقا چی زده که پرت و پلا می‌گوید؟ خالصی - راست میگه کسی رو بخاطر عقیده‌اش زندانی نمی‌کنند، اول می‌گیرن، بعداً برایش جرم می‌سازن.

هرکسی حتایمبار و ناتوان هم که باشد می‌تواند گامی در راه نجات میهن خود بردارد. برای این مهم هیچ بهانه‌ای پذیرفتنی نیست.

آزاده امیدی - پاریس

ترجمه - محمد خوارزمی

اگر، اگر، اگر

خدایان هر روز به یک شکل ظاهر می شوند

مصریان قدیم به خدایان خود با چنان اطمینان و اشتیاقی ایمان داشتند که بنایی چنان بزرگ چون اهرام را برایش ساختند که هنوز هم امروزه یکی از بزرگترین بناهایی هستند که تاکنون انسان ساخته است. با توجه به خدای دیگری که امروزه مردم مصر دارند به این نتیجه می رسیم که خدایان مصریان توهمی بیش نبوده است و نیست. آنها دیگر اهرام جدید نمی سازند و مُردگانشان را مومیایی نمی کنند.

در روم قدیم انسان های زیادی برای مدت ها ژوپیترو و یارانش را می پرستیدند و او را خدای خود می نامیدند. آنها هم بخاطر آن خدا معابد بسیار باشکوه ساخته بودند و امروزه خرابه های آن معابد سبب جلب توریست می باشد، و امروز همه از جمله خود مصری ها و یونانی ها با اطمینان خاطر به این نتیجه رسیده اند که آن خدایان همه خیالی و ساختگی بوده اند و معابد سازی را هم یونانی ها کنار گذاشته اند.

نزدیکتر که می آییم در می یابیم که A Z T E C ها با چنان اشتیاقی به خدایان خود ایمان داشتند که آنها هم معابدی بزرگ برای آنها بنا می کردند و از سر اشتیاق سالی سدها انسان را قربانی خدایان خود می کردند. اگر Aztec ها خود باقی مانده بودند چه بسا قربانی کردن انسان برای خدایان هنوز ادامه داشت. اینگونه خدایان گوناگون برای اقوام گوناگون تا اواخر قرن شانزدهم ادامه داشت. از قرن هفدهم خدایان به خدا تبدیل شدند و معلوم شد که خدایان پیشین همه موجودات موهوم و خیالبافی های انسان بودند و دیگر آثاری از آن خداها باقی نمانده، همی این ها ثابت می کند که خدایان بعدی هم به همین شکل در آینده دور به تاریخ خواهند پیوست و موهوم بودن آنها آشکار می شود. تا به امروز هزاران خدای ریز و درشت و نر و ماده و مهربان و نامهربان و باگذشت و بی رحم آمده اند و رفته اند پس از این هم خدایان امروزی به همین سرنوشت دچار خواهند شد و از میان خواهند رفت.

از همی خدایان جدید خدای مسیحیت وضع جالبی دارد، عیسا پیامبرش فرزند خدا می باشد که ۳ روز پس از مرگ زنده می شود و پس از آن غیبش می زند. خدایان بنا به خیالات انسان ها در زمان های گوناگون به اشکال گوناگون ساخته و پرداخته می شوند و سپس در درازمدت از میان می روند. همین امروزه ده ها خدا در جایجای جهان در حال خدایی کردن در اذهان مردم اند که همه آن خدایان موهوم و ساختگی هستند.

آخوند اگر پزشک و جراح بود و برای یک بار انگشت قطع شده ی کارگری را با سختی پیوند زده بود امکان نداشت دستور دهد دست کسی را قطع کند.

آخوندی اگر مهندس ساختمان یا مخترع جرثقیل بود محال بود از این ابزار برای حلق آویز کردن انسان استفاده کند.

آخوند اگر کارگری و بنایی کرده بود تا آلونکی برای زن و فرزندان بسازد هیچ خانه و ساختمانی را دستور تخریب نمی داد.

آخوند اگر زمینی شخم و بیل زده بود تا محصول گندمی پس از یکسال زحمت بدست آورد از هیچ دهقان زحمت کشی خمس و ذکاة نمی گرفت.

آخوند اگر نوازنده نوعی ساز بود فتوای شکستن هیچ ابزار موسیقی را نمی داد.

آخوند اگر ایرانی بود دلش به حال سرزمین آبا و اجدادی اش می سوخت و اینگونه چوب حراج بر مملکت نمی زد.

آخوند چهل سال است چپاول می کند، می کشد، سنگسار می کند، دست قطع می کند، تجاوز می کند نام خودش را هم گذاشته است روحانی!

تا زمانی که این جماعت مفت خور براریکه قدرت سوار است انتظار هیچ بهبودی و پیشرفتی در ایران نیست و در بر همین پاشنه خواهد چرخید.

آخوندها باید روانه قبرستانها شوند و فقط برای مُرده ها قرآن و دعا بخوانند و مزدشان را هم الله در روز قیامت بدهد.

بیماری مذهب

کاش مانند مراکز ترک اعتیاد، مراکز ترک دین هم داشتیم.

حال که نداریم این نسخه را برای خود بپیچید!

گام نخست - با شجاعت بر بیماری خود اعتراف کنید و توضیح دهید که این دین را خودم انتخاب نکرده بودم و از نسل گذشته به من تحمیل شده بود.

گام دوم - با مطالعه، زمینه نیرومند شدن اندیشه خود را فراهم کنید که توانایی پاسخ دادن به این که چرا از این دین دست کشیدید را داشته باشید. دکتر بهمین ورزا

مستقیم از مشهد جنب حرم امام

* طبق رای زنی‌های انجام شده بین ایران و تایلند! «شهر پاتایا» شهر فواحش تایلندی بعنوان خواهر خوانده‌ی مشهد نامگذاری خواهد شد!

* پیر مرد با سن حدود ۵۰ سال (در ایران ۵۰ ساله‌ها را پیر مرد می‌نامند!) می‌گفت با خانمی رابطه جنسی دارد و این خانم از شهرستانی برای تهیه جهیزیه دخترش به مشهد آمده و تن فروشی می‌کند، بهترین حقوق دریافتی زن‌ها در مشهد از راه تن فروشی ماهیانه ۶۰۰ هزار تومان با دو شیفت کار است، برای هر نیم ساعت تن فروشی ۵۰ هزار تومان می‌گیرند!

* من پس از فارغ‌التحصیلی در آبان ۸۷ برای کار حسابداری به هتل‌های زیادی مراجعه کردم ولی به دلیل نداشتن سابقه کاری پذیرفته نشدم. در آنجا متوجه شدم پرسنل و خدمه‌ی خانم هتل‌ها بیشتر زنان بیوه هستند که خدمات سکسی به مسافریین خصوصاً مردان عراقی را انجام می‌دهند. در ویلاها و رستوران‌های شاندیز و طبقه نیز این خدمات جنسی ارائه می‌شود!

* جوانان زیادی در مشهد از درد انزالی جنسی رو به مواد تریاک و شیره می‌آورند که تمامشان در نهایت معتاد می‌شوند و مشروب‌های غیر بهداشتی و تقلبی باعث مرگ و نابینایی سینه چاکان حسین ابن علی می‌شود!

* دوستم ابوالفضل لیسانس حقوق دانشگاه آزاد مشهد دارد که در هنگام سربازی در بخش اداری زندان مشهد کار می‌کرد، او می‌گفت این زندان به عنوان دانشگاه نخبگان کارآفرین مشهور است ولی اکثر زندانیان جوان و غیر حرفه‌ای که بدلائل گوناگون به زندان می‌افتند پس از دوره زندان به مجرمان خیلی حرفه‌ای تبدیل شده زندان را برای عملیات بزرگتری ترک می‌کنند. آنها نخبگان کارآفرین در جرم‌های بزرگتر می‌شوند!

* پیش از آنکه سوریه گرفتار جنگ‌های داخلی بشود سوریه پاتوق عیش و نوش ایرانیانی بود که بعداً تایلند را کشف کردند. آنها به بهانه‌ی رفتن زینبیه که مثلاً مدفن زینب دختر علی می‌باشد برای تفریح به سوریه می‌رفتند در حالی که بودن قبر زینب در سوریه بین خود آخوندها اختلاف نظر است و برخی می‌گویند زینب در سوریه دفن نشده است. یک راننده کامیون که از سوریه برگشته و به مشهد آمده بود می‌گفت اطراف زینبیه خبری نیست ولی میدان دوم کمی دورتر انواع کاباره‌های دنس موزیک، رقص‌های عربی، انواع مشروبات آزاد است و در دسترس مردم. حجاب زنان هم اجباری نیست و دختران جوان

بیشتر بی حجاب هستند.

* در منزل دوستم فیلم مستندی را دیدم که در آن فیلم، خانم‌های جوانی ادعا می‌کردند همسر مهدی امام زمان هستند! فردی ادعا می‌کرد با امام زمان در ارتباط است و او را می‌بیند، یک نفر سجاده نماز گذارده بود که امام آلان می‌آید و نمازش را اینجا می‌خواند مردم احمق پشت سر جانماز خالی صف می‌بستند و به امام خیالی اقتدا می‌کردند.

در مراسم سوم و هفتم و چهلم سالگرد مُردگان اوج نمایش چاپلوسی برای خانواده‌ی شخص فوت شده توسط خانواده و مداحان است. خوب به یاد دارم در مراسم ختم پدرم در مسجد مداح دعوت شده به سجایای از پدرم پرداخت که ما اصلاً از این سجایا خبر نداشتیم!! و شروع به خواندن شعری کرد که در پایان گفت این شعر از آقا مهدی پسر حاج آقا بود! در حالیکه من اصلاً در عمرم یک بیت شعر هم نگفته‌ام!

حشمت‌اله طبرزدی

صدای زندانیان درون ایران باشیم

در اشاره به سخنان خامنه‌ای که در سخنرانی مشهد گفت «ما در ایران آزادی بیان داریم»

نویسنده این نامه رو به رئیس جمهور آمریکا نوشته است:

آقای رئیس جمهور ملت بزرگ آمریکا - ما ایرانیان گرفتار قومی هستیم که مذهب را ابزار منافع خود ساخته و در روز روشن در تریبون‌های نماز و مکان‌هایی که برای توده‌ها مقدس است به دروغ می‌گویند «در ایران آزادی بیان وجود دارد» شخصاً بیش از ۱۸ سال است که به دلیل مخالفت با جمهوری اسلامی و اعتراض علیه خامنه‌ای زندانی بوده و هستم.... آقای پرزیدنت دونالد ترامپ از پیام مسرت بخش نوروزی شما از مبارزات رهایی بخش ایرانیان سپاسگزاری می‌کنم. ملت ایران این آزادی را ندارد تا از ملت و دولت آمریکا سپاسگزاری کند. اما به شما اطمینان می‌دهم اعم از این که مبارزانی چون من زنده باشیم یا در جنگ با ستم حاکم و در شکنجه‌گاه‌ها قربانی شوم اما در فردای رهایی مردم ایران بهترین دوست و متحد ما برای صلح و دوستی و سازندگی در منطقه و جهان، ملت بزرگ آمریکا خواهد بود.

دوم - فروردین ۱۳۹۷ - حشمت‌اله طبرزدی

دبیرکل جبهه دمکراتیک ایران

بازگردیم به خدمت مولانا و مثنوی هفتاد من کاغذ.

در دفتر نخست، در مورد نالیدن ستون حنانه در مسجد در فراق حضرت محمد، که سخنی یاوه و سخیف است از زبان چوب خشک، بحثی را در چند بیت به میان کشیده است با این تیترو عنوان:

«اظهار معجزه‌ی پیغمبر؛ به سخن آمدن سنگ ریزه در دست ابو جهل و گواهی دادن سنگ ریزه بر حقیقت محمد علیه الصلوة والسلام»

سنگها اندر کف بوجهل بود

گفت ای احمد بگو این چیست زود

گر رسولی چیست در مشتم نهان

چون خبر داری ز راز آسمان

گفت چون خواهی بگویم کان چه است

یا بگوید آنکه ما حقیق و راست

گفت بوجهل این دوم نادرتر است

گفت آری حق از آن قادرتر است

از میان مشت او هر پاره سنگ

در شهادت گفتن آمد بی درنگ

لا اله گفت و الا الله گفت

گوهر احمد رسول الله سفت

چون شنید از سنگها بوجهل این

زد ز خشم آن سنگها را بر زمین

ای بر درغوبی که این داستان را اولین بار ساخته است و ملای

روم آن را در کتابش نوشته لعنت. شما را به وجدانتان این داستان

دروغی محض نیست؟ آخر خُرده سنگ و یا جسم جامد چگونه

می‌توانند سخن بگویند. اگر بوجهل این واقعه را ناظر بود چرا

ایمان نیاورد و مسلمان نشد و همچنان بوجهل ماند و بی قبول

اسلام و با همان بت پرستی بهتر از اسلام مُرد؟ عجیب است که

محمد در قرآنش بارها در آیاتی گفته است من عاجز از بیان

معجزه‌ام و معجزه ندارم؛ ولی مسلمانان قشری و متعصب قرن‌ها

پس از او برایش این همه خرق عادت و معجزه ساخته‌اند.

بارها گفته‌ام و باز نیز تکرار می‌کنم که من همچنان که خود قرآن

را پُر از دروغ می‌دانم و می‌شناسم، مثنوی را نیز سراسر دروغ و

خیالبافی‌های یک مسلمان مؤمن قشری معرفی می‌کنم. این

کتاب نیز حاصل یک مغز معیوب است. در مثنوی برای هر زاهد

و درویشی نیز معجزه مطرح کرده است.

کتاب مثنوی مجموعه‌ای از داستان‌های دروغین است که ملای

روم یا خودش بافته و یا از اصحاب خانقاه و پیرزنان اطراف شنیده است. مقداری از آن را نیز از کتاب کلیده و دمنه که شرح حال حیوانات است دزدیده و به‌نظم آورده است. حاصل این همه داستان سرایی برای این است که در پایان داستان به ما و خوانندگان پند و اندرز دهد و فلسفه بافی کند که در واقع فلسفه نیست و فیلسوف جز سفسطه سرهم نکرده است. زیرا او خود رسماً اقرار کرده است که مخالف فلسفه و فیلسوف است.

بعد از این همه روده درازی دوباره قصه‌ی مطرب و عمر را می‌آورد و با این چند بیت آن را می‌آغازد:

بازگرد و حال مُطرب گوش دار

زانکه عاجز گشت مُطرب زانتظار

بانگ آمد مر عُمر را کای عُمر

بنده‌ی ما را ز حاجت باز خر

بنده‌ای داریم خاص و محترم

سوی گورستان تو رنجه کن قدم

بنگرید که برای عمر هم الهام تصور کرده است از سوی الله!!

توجه فرمایید به این تیترو عظیم که پس از داستان پیر چنگی و عُمر در دفتر نخست آورده است.

«تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز بر سر هر بازاری منادی می‌کنند»:

«اللهم أعط كل منفق خلفاً اللهم أعط كل ممسك تلفاً»

یعنی «خدایا عطا کن به احسان کنندگان مال فراوان؛ و اموال مُمسک‌ها یا خسیس‌ها را تلف کن»

خواننده‌ی گرامی شما از این دو فرشته که هر روز بر سر بازارها

چنین جمله‌ی عربی را منادی می‌کنند، هیچ اطلاع و نشانی

دارید؟ شما غیر از ملای روم از منبعی دیگر این دروغ را شنیده و

دریافته بودید؟ آیا این دو فرشته را کسی دیگر دیده است؟ و

چرا ملای روم در تفسیر این دروغ بی‌باکانه باید حدود ۲۰ بیت

به‌نظم آورد و با این خرافات خوانندگان را به گمراهی بکشاند.

امکان تجدید چاپ کتاب‌های بیداری (خردنامه) که حاوی همه‌ی بیداری‌هاست دیگر وجود ندارد. بجز جلد پنجم از جلد‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ از هر کدام ۱۰ جلد باقی مانده اگر مایل به دریافت هر جلد از آنها می‌باشید تا تمام نشده تهیه نمایید.

با شناختی که من از آخوندها دارم، اگر بهشت وجود داشت، امکان نداشت هیچ آخوندی آن را لو بدهد که چنین جایی هم هست، چه برسد که ملتی را به زور بخواهند ببرند آنجا! فریدون فرخزاد

نامه های رسیده

* در شماره پیش بیداری از خاک تبرک شده‌ی کربلا که مَهر نماز می‌شود نوشته بودید که معلوم نیست از کدام محله و کجا می‌آورند و چرا باعث سیاه شدن پیشانی مردان می‌شود. من فرزند یک آیت‌اله هستم که سالها در عراق زندگی می‌کردیم، در عراق متوجه شدم سالها مهرهای نماز را از کود فاضلاب یعنی مستراح های حرم زائران بخاطر نزدیک بودن این آبریزگاه‌ها به قبر امامان می‌سازند و سالی ده‌ها کامیون مَهر نماز از همین کودهای انسانی به سوی ایران و افغانستان و سایر کشورهای شیعه فرستاده می‌شو، و سیاهی پیشانی مردها به دلیل آلودگی خاک مهرهاست و چون زن‌ها با چادر و روسری یا مقنعه نماز می‌خوانند پیشانی آنها مستقیم با مَهر نماز تماس نمی‌گیرد که پیشانی آنها هم سیاه شود. اگر هم سیاه شود با کرم صورت که بیشتر خانم‌ها استفاده می‌کنند پاک می‌شود. نوه آیت‌الله شیرازی * رضاشاه مرد مستبد و زورگویی بود. در غیر این صورت می‌بایست موضوع رفع حجاب را طی یک همه‌پرسی به آراء عمومی واگذار می‌کرد و از مردم بی‌سواد، تریاکی، حمام ندیده‌ی اکثرآ شپشوی بی‌خبر از همه‌ی عالم می‌پرسید آیا درس قرائت قرآن، امام حسین، سینه‌زنی و حلوا خوری سر قبرستانها و چادر چاقچور می‌خواهید یا دانشگاه، راه آهن، کارخانه برق و سیمان و نساجی و جاده اسفالت، پزشکی و مهندس درس خوانده در خارج؟ اگر آن مرد مستبد برای همه کارهایش به آرای عمومی مراجعه می‌کرد ایران امروز حتا از سودان و سومالی و افغانستان هم بهتر شده بود. رضا شاه ما را بیچاره کرد که امروز ناموس ما برود سر سکوی خیابان ناموس خودش را از سر بردارد و به‌چوب آویزان کند و همه ما را بی‌ناموس کند.

عبدالحسین معلم

* توی فیلم‌های ایرانی که می‌خواهند بهشت را نشان بدهند صدای بلبل پخش می‌کنند! این را که باغ‌های ما هم داره، اگر راست می‌گویید حوری‌ها را نشان دهید. ع - قائدی

شرکت کتاب همه بیداری‌ها را بصورت «ای بوک» در «گوگل پلی» منتشر کرده است و به‌بهای هر شماره ۹۹ سنت به‌فروش می‌رسد. برای تهیه بیداری‌ها و سایر کتابهای شرکت کتاب به آدرس زیر مراجعه کنید و نام بیداری را در مستطیل «جستجو» وارد کنید تا آن را ببینید. Shop.Ketab.COM

باران و الله

سوره زخرف - سوره ۱۰ «خدایی که از آسمان باران را به اندازه فرستاد و زمین مُرده را زنده کرد» عجب این الله چرا به دور و بر خانه خودش در عربستان باران نفرستاد و چرا فقط در چند ایالت آمریکا و بعضی نقاط زمین هر ساله آنقدر باران می‌بارد که خانه و کاشانه‌ی مردم را آب می‌برد؟

در زمان صفویه بجز شیخ شمس‌الدین گیلانی بقیه آخوندهای همه‌کاره‌ی رژیم صفوی مانند شیخ محقق کُرکی که زمام امور کشور را در دست داشت و شاه نیز گوش به فرمان او بود همه از جَبَل عامل لبنان و سایر کشورهای عربی بودند که توسط پادشاهان صفوی به ایران آورده شده بودند و اگر امروز شاهدیم خامنه‌ای و آخوندها دست از بازسازی لبنان نمی‌کشند، بجز گرایشات سیاسی علاقه عاطفی به آنجا دارند و اگرچه این‌ها ظاهراً ایرانی هستند اما همه از رگ و ریشه‌های شیخ محقق کُرکی هستند که دارند خون ملت ایران را می‌مکند. امروز ما چاره‌ای نداریم جز این که این بهمن سهمگین را عقب بزنیم و به عقب برگردانیم، و ابتدالی را که دچار آن شده‌ایم به‌اضافه سه پایه‌ی گرفتاری یعنی (الله - پیامبر - قرآن) و تاریخ جعلی و قلبی مان را بشناسیم، به نقد خود برخیزیم، در این صورت می‌توانیم قامت برافرازیم، بشوریم علیه این همه کثافت و این حکومت پلید آخوندی که ایران را با ۸۰ میلیون جمعیت به لبه‌ی پرتگاه و انهدام بُرده است. اسماعیل وفا یغمایی

تصحیح یک اشتباه

در نوشته‌ی «تاملی بر شب قدر» شماره‌ی پیش نوشته، از گردش زمین به دور خورشید یک روز پدید می‌آید. چنین نیست، از گردش زمین به دور خودش یک روز پدید می‌آید، از گردش زمین به دور خورشید سال پدید می‌آید. رضا - ویرجینیا

بی تفاوت‌های هر جامعه عضو زائد و سربار کشور خود هستند

از تلگرام

چیز است. این دسته از اسلام سانان در برخورد با هر کسی که مثل خودشان نیست علاوه به فحش و تهدید به ساطور و قمه و پنجه‌بکس و زنجیر و تازگی هم به بمب‌های دستی و انتحاری کوچک و بزرگ مسلح شده‌اند. این‌ها از نوع خطرناکترین موجودات هستند و تاجایی که می‌شود باید از آنها فاصله‌گرفت و به منازل و مراکز و مراتع و طویله‌ها و آغل‌های آنها نزدیک نشد. داعش نمونه‌ی نزدیک این نوع از مسلمانان است که از هفت هشت سال پیش در بیابانهای مکه و سپس عراق و سوریه و لیبی دیده شدند و خون انسان‌های بسیاری را به‌زمین ریختند.

۴- مسلمان ایرانی - اسلام عجیبی را برای خود ساخته که خاصیتی از اسلام واقعی نوع سوم در آن دیده نمی‌شود. مسلمان ایرانی همان زمان که نمازش را می‌خواند، عرق و ویسکی‌اش را هم می‌نوشد، اگر یک سال به مشهد و کربلا و مکه برود، حتماً سال بعدش لندن و پاریس (درگذشته‌ها) و اینک پاتا‌یای تایلند و آنتالیای ترکیه و مراکز تفریحی ارمنستان و دب‌ی را از دست نمی‌دهد، روز عاشورا اشکش خشک نمی‌شود در همان حال که برای امام‌های زنجیر می‌زند در حال چشم‌چرانی بین زن‌هاست، چنین هیولایی در سایر نقاط‌گروه کمتر دیده شده است. زیان این‌ها به خاک ایران بیشتر از انواع موجودات مضر و خطرناک است. فریبکاری و فریب‌خوری اساس این مسلمان ایرانی است که ایران را مانند موربانه می‌خورد و پیش می‌رود.

بقول اسماعیل خویی

ای مسلمین بدانید، اسلامتان همین است

آیین جور و جهل است، دین نفاق و کین است

اسلام دین زوراست، آیین مرگ و گوراست

عفوش فسانه‌گون است، ذاتش دروغ‌گین است

دلخوش به این نباشید که فقط مسکن می‌سازیم، آب و برق را
مجانمی می‌کنیم. ما شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم!
از روان سوخته‌ی ملعون

روی تابلوی بزرگی در تهران خیابان سلیمی نوشته‌اند.
خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست.
از سوی انجمن بیماران مبتلا به ایدز!!

در هر دهکده دستی است (معلم) که شمع‌هایی را روشن
می‌کند و دهانی است (آخوند) که شمع‌ها را فوت می‌کند.
ویکتور هوگو

تقسیم بندی مسلمین

مسلمان‌ها چهار نوع‌اند:

۱- مسلمان تخیلی - بیشتر این نوع مسلمان در ایران یافت می‌شود. این گونه از مسلمان سانان هیچ شناخت و تفکری در مورد اسلام ندارند و فقط مانند حمل‌کننده‌ای میمانند که آموخته‌ها و تعصبات خانوادگی و جامعه خود را بر مغز و کمر و دوش خود بار زده حمل می‌کنند و در جامعه رها شده‌اند. اسلام اینگونه از مسلمین که بیشتر محدود به مذهب تشیع است در آن قداست حسن و حسین و ابوالفضل و علی بیشتر از قداست الله‌شان است. این نوع مسلمان‌ها هرکدام برای خود یک خدا دارند که منتظر نشسته است تا دعاها و خواسته‌های محقر آنها را اجابت کند. باورهای آنها به شدت تهوع‌آور و توهین به شعور بشریت و فاقد از هرگونه استدلال منطقی است. آنها هر جا حس کنند باورهایشان در معرض زیر سؤال رفتن قرار گرفته فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند و یا با فحش و ناسزا و واگذاری کار به خدا و حضرت عباس خود را آرام می‌کنند.

۲- مسلمانان میانه رو - این گونه از مسلمین به اسلامی مخملی و صورتی رنگ باور دارند. در اسلام این‌ها هیچ زشتی و آلودگی وجود ندارد و نیم‌نگاهی هم به بقیه‌ی مذاهب و باورها ندارند. برداشت این‌ها از اسلام و قرآن برداشتی کاملاً فانتزی است. بند بازی و خُل بازی این گروه بیشتر از سایر گروه‌های مسلمان است. آنها احکام قتال را در قرآن نه تنها به رسمیت نمی‌شناسد بلکه تفسیرهای عجیب و غریبی برای آنها می‌یافتند و سر هم می‌کنند، گویی الله این‌ها نمی‌دانسته چه می‌گوید و این‌ها بیشتر و بهتر از الله مقصود او را می‌فهمند و می‌دانند. معمولاً این نوع از مسلمان سانان در مقابل خرد و اندیشه، خود را به کوچه مشهور علی‌چپ می‌زنند و سعی در تغییر بحث و گفتگو می‌کنند.

این دسته استعداد زیادی در ماله‌کشی و سفسطه و مغلطه نیز دارند که انواع دیگر مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند و بعضی از این گروه البته گرایشی به فحش و قهر و نفرین هم دارند.

۳- مسلمانان تندرو - این نوع از مسلمین مسلمانانی اصیل و کاملاً اورجینال و اکبند هستند. باورهای آنها دقیقاً گرفته شده از سنت پیامبر و سطر به سطر قرآن است، علاقه وافرشان به آیه‌های قتال و بگیر و ببند خیلی بیشتر است و به آیه‌های کم‌خطر تر دیگر توجهی ندارند. در باور آنها اسلام اول و آخر همه

راه ساده

پس از آزادی ایران اگر بخواهیم در و دکان آن همه امامزاده‌ای که پس از انقلاب در ایران ساختند و یا از پیش محل فریب مردم ساده دل بود را ببندیم و مردم را از این دام نجات دهیم، بهترین راه این است که هر آخوند و خانواده‌اش را که بیمار شدند بیمارستان و پزشکان نپذیرند و به آنها گفته شود، همانطور که ۱۴۰۰ سال مردم را تشویق کردید برای شفا گرفتن به امامزاده‌ها مراجعه کنید، زمان آنست که پس از این خودتان از سرویس شفاگیری امامزاده‌ها استفاده کنید و از اشغال تخت بیمارستانها و وقت پزشکان خودداری کنید! هیچ آخوندی هم نمی‌تواند اعتراضی داشته باشد چون همواره در سر منابر از کرامات و معجزات و نیروی شفادهی این امامزاده‌ها برای مردم گفته‌اند. با این ترتیب خواهیم دید که امامزاده‌ها یکی پس از دیگری از رونق افتاده و مردم از فریبکاری و دروغگویی این قشر ریاکار آگاه شده و پس از چند سال این بساط تحمیق و سودجویی با «شکر خوردن» آخوندها برای استفاده از دارو و دکتر جمع خواهد شد.

سگ‌های رقیه

چند سالی است رشته‌های جدیدی به کارهای احمقانه و وحشیانه‌ی دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی اضافه شده است. یکی افتادن و مانند خر غلط زدن در چاله‌های مملو از گِل است که گِل تمام هیکل آنها را در خود می‌گیرد و حتا سوراخ بینی و گوش و چشم و دهانشان هم پر از گِل می‌شود و با آن قیافه‌ی مسخره وسط دسته‌های سینه‌زنی به راه می‌افتند و باعث ترس بچه‌های کوچک و استهزای بزرگترها می‌گردند. کار مسخره‌ی دیگری که از آنها شرم‌آورتر است تنی چند از سینه‌زن‌های طویله‌ی آخر حماقت به زمین دراز کشیده بطور سینه خیز خود را به روی زمین و به جلو می‌کشند و در همان حال از خود صدای سگ در می‌آورند و مردمی هم هستند که با دیدن آنها بجای خندیدن گریه می‌کنند! این‌ها با واق واق کردن و هاپ هاپ کردن می‌خواهند بگویند ما سگ درگاه حسین هستیم. نام این رسته از سینه‌زنی را سگ‌های رقیه می‌نامند. معلوم نیست این نوع سگهای مسلمان هم از نظر اسلام نجس هستند یا نه؟

باور مکن

به‌خدایی که به‌نیایش و به‌ستایش و نماز و روزه‌ی تو دل بسته است باور مکن.
به‌خدایی که تو را از آتش جهنم می‌ترساند باور مکن.
به‌خدایی که در تقسیم هوش و استعداد و زرنگی و زیبایی ظاهر و زیبایی باطن و تندرستی و شانس و اقبال بین همه تفاوت گذاشته و تبعیض قایل شده باور مکن.
به‌خدایی که رزق و روزی انسان را تعیین می‌کند و به‌یکی کم به‌دیگری زیاد می‌دهد باور مکن.
به‌خدایی که در نهاد تو ده‌ها عیب و کمبود گذاشته و با یک کتاب از تو می‌خواهد خود را باب میل او عوض کنی باور مکن.
به‌خدایی که فقر و نادانی را در میان مردم می‌بیند و سکوت مرگ گرفته باور مکن.

خدا فقط می‌تواند خراب کند، نمی‌تواند بسازد

آیا تاکنون دیده‌اید خدا برای بشرش چیزی بسازد، یک دیوار خشتی حتی! اما تا بخواهید ویرانی بار آورده است، سیل و طوفان و زلزله و گرما و سرمای بی از حد و آتش فشانی کوه‌ها و طاعون و وبا و...

نمازش را ما میخوانیم، روزه‌اش را ما می‌گیریم، فرمانش را ما اجرا می‌کنیم، خانه‌اش را ما تمیز می‌کنیم، اما باران رحمتش را در اروپا می‌بارد! بخشکی شانس. رفتگرخانه‌ی کعبه

کسانی که بطور جدی و عملی برای ایجاد اتحاد گام بر نمی‌دارند با خود و ملت خویش دشمنی می‌کنند

هنگامی که در بیرون از کشور، بسیاری از مردم ما هنوز به دنبال نماز و روزه و علی و حسین هستند و دوستان و بستگان آنها هم به آنها احترام می‌گذارند و انتقادی نمی‌کنند، ما همه بر ضد میهن خود هستیم.

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

فریبکاران مُرده دزد

در لس آنجلس مسجدی داریم که گردانندگان آن چند تا دکتر مسلمان خیلی زرنگ هستند. آنها با برپایی این بنیاد اسلامی با یک تیر سه هدف آشکار و حتماً هدف های پنهانی دیگری را نشان گرفته‌اند. نخست آنها از راه برپایی این بنیاد با کمک های مردمی و غیر مردمی به درآمد زیادی رسیده‌اند، آنها مراجعه کنندگان به این مسجد را جزو بیماران مطب های شخصی خود هم کرده‌اند و سوم زنان و مردان سیاسی مسلمان را که روزی فعال بودند همه را اخته سیاسی کرده و از فکر ایران درآورده‌اند. در سالهای اخیر با بالا رفتن آگاهی های مردم از دروغ بودن مذهب، این مرکز هم از رونق افتاده بود که فریبکاران مدیریت این بنگاه پرورش خرافات رو به کارهای دیگری آوردند که هیچ ربطی به خواندن فاتحه و یاسین و امن یجیب و نماز وحشت و بریدن سر حسین و وعده‌ی آمدن امام زمان و غیره نداشت. از برقراری کلاس رقص و موسیقی در صحن و وسط خانه خدا (!) تا رقص باباکرم در محراب نماز جمعه و دزدیدن پیکر مُرده هنرمندان و آدم های سرشناس و برقراری ختم و رقص مجانی برای آنها که بگویند به درخواست بستگان فرد فوت شده بوده است. رونق بازار این بنگاه مکاره بیشتر از زمانی شد که آقازاده‌های جمهوری اسلامی سرازیر لس آنجلس شده و در رسانه های همگانی مانند رادیو ۶۷۰ لس آنجلس همه کاره شدند. این جوانها یک پایشان در رادیو پای دیگرشان در این مسجد این دو مکان را بهم متصل کرده‌اند. در مسجد کنسرت های موسیقی و در رادیو اذان و دعای ربنا و گریه برای امام حسین روتق گرفت.

امروزها اگر از پشت دیوار این بنیاد اسلامی عبور کنید سر و صدای کلاس های موسیقی و رقص را می شنوید که مادران و پدران بی خیال مسلمان فرزندان بیگناه خود را به دست یک عده نره غول سپرده‌اند تا در کنار یادگیری خواندن قرآن و نماز، نواختن ویلون و دف و خواندن آواز و رقصیدن را هم بیاموزند، چونکه در این مرکز هزینه این کارها برایشان ظاهراً کمتر می باشد و بچه شان هم از دین خارج نمی شوند!! امیدواریم که این مرکز و سایر چنین مراکز اسلامی حسین طوسی قاری مشهور بیت امام را برای آموزش قرائت قرآن با صوت جلی به این کلاس ها دعوت یا منتقل نکند و یا آسیبی به دست سایر حسین طوسی های خواننده و نوازنده به این بچه ها نرسد. از ما گفتن و از پدر و مادرها نشنیدن و گریه و زاری کردن پس از اتفاق. مراکز اسلامی و مسیحی کثیف ترین مکانها برای فرزندان و نوجوانان شماست. حتماً باید بلا سر فرزند شما بیاید تا این موضوع را باور کنید؟

بر روال خصایل انسانی تان اگر در شب احیا و شب عاشورا بزنی و بکوب و خوشحالی نمی کنی، برای مرگ آن دشمنان گریه هم نکنی.

جلد پنجم بیداری (خردنامه) حاوی ۲۰ شماره‌ی آخر بیداری چاپ و آماده گردیده تعداد محدود می باشد علاقمندان زودتر سفارش دهید. هر جلد ۳۵ دلار به اضافه هزینه پست.

راه تماس با ما و سفارش بیداری و خردنامه
858-320-0013 bidari2@Hotmail.com

بهترین راه بدست آوردن این ماهنامه در هر کجا که هستید از راه پست است. به تلفن بالا زنگ بزنید.